نگران، آن دو چشمان است...

نگران،

آن دو چشمان است،

دورسوي آن دو سهيل که بر سيبستانِ حياتِ من مي‌نگرد

تا از سبزينه‌ي نارسِ خويش

سُرخ برآيد.

سخت‌گير و آسان‌مهر

در فراز کن که سهيل مي‌زند!

□

سهيلانِ من‌اند

ستارگانِ هماره بيدارم،

و دروازه‌هاي افق

بر نگراني‌شان گشوده است.

بيمارستان مهرداد

13 بهمن ۱۳۷۵